

فاطمه

تجلى تمام زنان قدس قرآنی

(بر اساس آیه مباهله)

محمد جواد سلمانپور

استادیار دانشگاه شیراز

مقدّمه

بی تردید یکی از آیاتی که در شأن اهل بیت علیهم السلام نازل شده، آیه مباهله است. آیه شریفه در جریان یکی از وقایع مهم تاریخ اسلام که به مباهله معروف است نازل شده است. گروهی از نصاری از نجران برای مناظره درباره اسلام و ادعای پیامبر اسلام علیهم السلام نزد ایشان آمدند. سرانجام کار برای اثبات حقانیت یکی از دو طرف به آنجا انجامید که هر دو گروه در برابر خداوند دعا کنند تا لعنت و عذاب خدا بر

دروغگویان و منحرفان از حق نازل شود. وقت خاصی معین شد. در روز موعود مردم جمع شدند، در حالی که هنوز بر مسیحیان نجران معلوم نبود که پیامبر علیهم السلام چه کسانی را برای مراسم دعا و مباهله حاضر می‌کند.

رسول خدا علیهم السلام پیش آمد در حالی که علی، حسن، حسین و فاطمه زهراء علیهم السلام را با خود می‌آورد. بدین سان پیامبر صحنے پر شکوهی آفریده بود. مسیحیان نجران چون حالت پیامبر و اهل بیت علیهم السلام را دیدند لرزه بر اندامشان افتاد و به رایزنی با پیشوای خود، اسقف ابا حارثه پرداختند. بزرگ آنان گفت:

«من چهره‌هایی را مشاهده می‌کنم که اگر لب به دعا و نفرین بگشایند و بخواهند کوهی را از زمین برکنند آن کوه را متلاشی کرده، برمی‌دارند. سوگند به مسیح که اگر آنان لب به نفرین ما بگشایند برای ما خانواده و مال و منالی باقی نخواهد ماند».

پس آنان را از مباهله باز داشت. لذا نزد پیامبر علیهم السلام شتافتند و گفتند: «ای ابوالقاسم! از ما بگذر، خداوند از تو بگذرد». سپس شرایط پیامبر را پذیرفتند و به نجران باز گشتند.

رسول خدا علیهم السلام اعلام داشت: اگر آنان برای

مشاهده است. ارزش این برهان هرگز قابل مقایسه با برهانهای نظری نیست؛ چرا که برهان مبالغه حس، عقل و دل هر سه را با هم به کار می‌گیرد و توسط هر سه منع، ادراک جان آدمی تصدیق می‌شود. برهان مبالغه قبل از اثبات ادعای حق و ابطال پندر باطل، جلالت، عظمت، رفعت، روحانیت و کمال تقرب طرف

- ١ - بنگرید به: نور الابصار، ص ٢٢٣؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ١، ص ١٦؛ تفسیر صافی، ج ١، ص ٣١٨؛ علی امام المتنین، ج ١، ص ٢٣.
- ٢ - آل عمران / ٦١.

٣ - بنگرید به: فخر رازی، تفسیر الكبير معروف به مفاتیح الغیب، ج ٨، ص ٨٥ جالب اینکه فخر رازی بعد از ذکر حدیثی از عایشه می‌گوید: این روایت [که آیه درباره اهل البيت، علی و فاطمه و حسنین عليهم السلام است] مورد اتفاق اهل تفسیر و حدیث است. همچنین بیضاوی در تفسیر انوار التنزیل و اسرار التأویل، ج ٢، ص ٤٧؛ زمخشri در تفسیر کشاف، ج ١، ص ٣٦٨؛ حقی در روح البیان، ج ٢، ص ٤٤؛ سیوطی در تفسیر جلالین؛ نهادنی در تفسیر نفحات الرحمن؛ واحدی در اسباب النزول؛ ابن حجر در الصواعق المحرقة؛ دلائل النبوة، ج ٢، ص ١٢٤؛ ترمذی در صحیح، ج ٥، ص ٢٢٥؛ بیهقی در سنن، ج ٧، ص ٦٣؛ مسلم در صحیح، ج ٤، ص ١٨٧١؛ احمد بنبل در مسنند، ج ١، ص ١٨٥؛ بغوی در مصایب السنّه، ج ٤، ص ٢٨٦؛ ذہبی در سیر اعلام البلااء، ج ٣، ص ١٨٣ همگی روایت را نقل کرده و اعتراف نموده‌اند که آیه در شان علی، فاطمه و حسنین عليهم السلام است.

مباحثه پیش می‌آمدند مسیحیان نابود می‌شدند.
 ﴿فَمَنْ حَاجَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنْ أُلْعَلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنفُسَنَا وَأَنفُسَكُمْ...﴾

پس هر کس که با تو درباره عیسیٰ بعد از آنکه با تعالیم وحی بر احوال او آگاهی یافته، به مجادله برخیزد [و سخنان و ادعای تو را نپذیرد] بگو پیش آید تا ما با فرزندانمان و شما با فرزندانتان، زنانمان و زنانتان و نفسهایمان با نفسهایتان در پیشگاه خداوند دعا و نفرین نموده تا لعنت و عذاب خدارا بر دروغگویان و حق‌گریزان قرار دهیم.

دانشمندان اهل سنت در مصادر متعدد روایی و تفسیری اذعان کردند که مراد از «ابنائنا» (فرزندان ما [پیامبر]) حسن و حسین عليهم السلام، «نفسنا» (نفس‌های ما [پیامبر]) علی عليهم السلام و «نسائنا» (زنان ما) فاطمه زهراء عليها السلام است.^٣ این آیه بعد از آنکه برهانهای منطقی و قیاسهای عقلی پیامبر خدا عليه السلام برای گروه مسیحیان نجران سودی نبخشید و همچنان به مکابره و انکار خود ادامه دادند نازل شد، و به پیامبر فرمان داد به برهان مشاهده که بالاترین برآهین است رو آورد. برهان مشاهده در حقیقت استمداد از قدرت مطلق و لایزال الهی برای ذلیل و منکوب کردن طرف باطل با نزول عذاب بر آنان و اعزاز و سرافرازی طرف حق به طور عینی و قابل

یاد شده در باره آنان از سوی خداوند متعال بود؛
زیرا این تعبیر در وحی الهی قرآن قرار دارد و
پیامبر ﷺ نیز اعلام داشت:

«اگر خداوند در روی زمین بندگانی گرامی‌تر
از علی، فاطمه، حسن و حسین سراغ داشت که
من با آنان مباهله کنم، هر آینه با آنان به صحنه
مباهله می‌آدم، اما خداوند مرا امر کرده که
همراه اینان مباهله نمایم».^۱

تعییر نسائنا از فاطمه
در آیه مورد بحث، خداوند از فاطمه
زهراء به عنوان «نسائنا» (زنان ما) یاد کرده
است. درباره علت اینکه از فاطمه^ع که یک زن
بیشتر نبود با صیغه جمع نساء (زنان) یاد شده،
روایات متعددی وجود دارد و مفسران سخنان
فراوانی گفته‌اند. این تعییر شگفت خداوند از
فاطمه که با زبان پیامبر ﷺ «زنان ما» صورت
گرفته حاوی یک پیام بزرگ درباره شأن آن بانو
برای بشر و تمام خداباوران است. آن پیام این
است که فاطمه زهراء^ع سمبول و مظہر
ویژگیهای تمام زنان مقدس از گذشته و هم عصر
او و آینده است. فاطمه^ع اگرچه یک زن است،
اما در واقع، دارنده ویژگیهای تمام زنان نیک عالم
است. دلیل این مطلب این است که:

حق را که پیروز میدان مباهله‌اند ثابت می‌کند.
برهان مشاهده مباهله در حقیقت خدارادر طرف
حق و شیطان را در طرف باطل متجلی می‌سازد
و اثبات می‌کند این تجلی خاص زمان مباهله
نیست، بلکه امری دائم و ابدی است.

بنابراین پیام آیه مباهله چیزی بالاتر و
وسيع تر از اقنان اهل نجران و اثبات حقانیت
دعوی پیامبری رسول اکرم ﷺ بود. آیه علاوه بر
این پیام، مسیر استمرار پیامبری رسول خدا^ع را
را اعلام و ترسیم می‌نماید. در واقع اگر هیچ آیه
دیگری برای نشان دادن عظمت و رفعت مکان
اهل بیت [علی، فاطمه و حسین]^ع و مسیر و
طریق استمرار دین خدا و رسالت پیامبر ﷺ جز
همین آیه نبود برای اهل بصیرت کفايت می‌کرد.
تعییر «نسائنا» از حضرت فاطمه و «نفسنا» از
علی^ع در حالی که یک زن و یک مرد بیشتر
نبودند و تعییر «ابنائنا» از حسن و حسین^ع در
حالی که دو فرزند بیشتر نبودند فقط ناشی از
رعایت اصول و مبانی زیبایی لفظی نیست.
چنان که از جنبه‌های عاطفی و خانوادگی
سرچشم نمی‌گیرد، چرا که پیامبر ﷺ در امر
رسالت هرگز گرفتار عواطف خانوادگی نبود، لذا
بعد از بعثت نزد پیامبر ﷺ غریبه‌هایی چون
سلمان خوشباوند و نزدیکانی چون ابو لهب
غیریه شدند. هم انتخاب آنان به عنوان طرف
پیامبر در مباهله به امر پروردگار بود و هم تعبیر

۱ - المباهله، ص ۶۶.

چنین کسانی دارای شخصیت همان قاتلان مستقیم انبیاء و مظہر ویژگیهای همان انسانهای گذشته در این زمان هستند و به فعل آنان راضی‌اند.

قرآن در جای دیگر می‌فرماید:

﴿أَلَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهْدُ إِلَيْنَا الْآتُوْمِنَ لِرَسُولِهِ حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ الْنَّارُ قُلْ فَقْدٌ جَاءَكُمْ رُسُلٌ مِّنْ قَبْلِنِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالَّذِي قُلْتُمْ فَلَمْ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُتْمْ صَادِقِينَ﴾^۲.

آیه می‌فرماید: این معجزه‌ای که شما برای ایمان آوردن درخواست می‌کنید، پیامبران گذشته آورده‌اند. پس اگر شما راست می‌گویید چرا آن پیامبران را کشید؟ این سخن در حالی است که هرگز دست این انسانها آلوده به خون آن پیامبران نبوده است، اما قرآن می‌فرماید: «فَلَمْ قَتَلْتُمُوهُمْ»؛ یعنی عمل کشتن گذشته را به آنان که در چندین قرن بعد زندگی می‌کنند نسبت می‌دهد. این نسبت در صورتی صحیح است که بپذیریم شخصیت و روح انسانهای قبلی در اینها متجلی شده و گویا دقیقاً همان انسانهای پیشین هستند که مرتكب قتل شده‌اند و به فعل آنان راضی هستند.

در آیه ۹۱ سوره بقره نیز همین سبک به کار رفته است:

-
- ۱- آل عمران / ۱۸۱
۲- آل عمران / ۱۸۳

سرّ کاربرد واژه جمع درباره فرد در قرآن

۱- خداوند گاهی از یک شخص با واژه جمع یاد می‌کند و عمل یا شخصیت آن فرد را به تعداد زیادی نسبت می‌دهد، چنان‌که گاه عملی را که گروهی در گذشته انجام داده‌اند و قرنهای از آن گذشته است به گروهی در زمان حاضر نسبت می‌دهد؛ مثلاً در آیه ۱۸۱ سوره آل عمران یک نفر یهودی به نام فتحاص از روی توھین گفت: خدا فقیر است، اما آیه این گفتار یا اعتقاد را به جمع نسبت می‌دهد و می‌فرماید: «أَلَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ».

این سبک بیان این پیام را می‌دهد که آن فرد در واقع زبان تمام کسانی است که در گذشته، حال و آینده این سخن را بر زبان جاری کرده و بر این باورند، یا با این سخن راضی و موافق بوده، آن را تأیید می‌کنند. آن فرد اگر چه یک نفر است، اما مظہر و ترجمان تمام کوتاه‌اندیشان خدانشناس می‌باشد.

در ادامه همین آیه آمده است:
﴿وَقَتَلَهُمْ لَا تُبْيَأَهُ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْأَنْحَرِيقِ﴾.^۱

فرد گوینده در زمان پیامبر گرامی اسلام ﷺ زندگی می‌کرده، اما قتل پیامبران گذشته را به صیغه جمع به آنان نسبت می‌دهد، در حالی که در زمان انبیای پیشین هرگز حضور نداشتند، و این نیست مگر اینکه قرآن می‌خواهد بگوید

﴿قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلٍ إِنْ كُنْتُمْ
مُؤْمِنِينَ﴾.

در فاطمه زهرا است.
اما آن زنان چه کسانی هستند؟ بی تردید زنانی که قرآن به خاطر تقدس و ویژگی الهی از آنان یاد می کند، همه از تبار پاکیها، حنیف، و از منسوبان حقیقی گوهر انسانیت رسول خدا علیهم السلام هستند.

زنان مقدس قرآنی

قرآن بجز فاطمه زهرا علیهم السلام به صراحة یا به کنایه، از دوازده زن پاک نام می برد:
 ۱- حوا^۲، ۲- آسیه همسر فرعون^۳، ۳- سارا همسر ابراهیم^۴، ۴- هاجر همسر ابراهیم^۵، ۵- یوکابد مادر موسی^۶، ۶- صفورا همسر موسی و دختر شعیب^۷، ۷- الیزابت یا یصabات همسر زکریا^۸، ۸- حنه همسر عمران^۹، ۹- همسر ایوب^{۱۰}، ۱۰- بلقیس^{۱۱}، ۱۱- مریم علیهم السلام^{۱۲}

اساساً رضایت باطنی به فعل دیگری حاکی از مشابهت و مسانخت روحی با دیگری است، و گویا یک روح در دو قالب با زمان و مکان متفاوت است.

این سبک بیانی در قرآن درباره انسانهای صالح و نیکوکار هم آمده است؛ مثلاً از ابراهیم علیهم السلام تعبیر به ملت شده است:
 «انَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً فَانِتَ لِلَّهِ حَبيْفًا»^{۱۳}.
 بنا به تحلیل سابق، پیام آیه ظاهرآین خواهد بود که ابراهیم علیهم السلام مظہر و تجلیگاه ویژگیهای تمام انسانهایی است که قبل و بعد از آن حضرت، بر اطاعت و عبادت خداوند پایدار و ثابت قدم بوده یا هستند، گویا روح تمام انسانهای توحیدی یکی است و بالاترین مرتبه آن در ابراهیم علیهم السلام متجلی شده است.

-
- ۱- نحل / ۱۲۰
 - ۲- بقره / ۳۵ و ۳۶، اعراف / ۲۵-۱۹ و طه / ۱۱۷ و ۱۲۳-۱۲۱
 - ۳- تحریم / ۱۱ و قصص / ۹
 - ۴- هود / ۷۱ و ذاریات / ۲۹
 - ۵- ابراهیم / ۴۰-۳۵
 - ۶- طه / ۳۸ و ۴۰ و قصص / ۷ و ۱۰ و ۱۳-۱۰
 - ۷- قصص / ۲۳ و ۲۷-۲۳
 - ۸- انبیاء / ۹۰، آل عمران / ۴۰ و مریم / ۵ و ۸
 - ۹- آل عمران / ۳۵ و مریم / ۲۸
 - ۱۰- انبیاء / ۸۴

سر کاربرد واژه جمع درباره فاطمه علیهم السلام

آنچه گذشت، روشن می سازد اگر قرآن تعبیر «زنان ما» را درباره فاطمه زهرا علیهم السلام به کار می برد، می خواهد این پیام را بدهد که آن حضرت مظہر و اسوه تمام زنان حنیف، پاک و منسوب به پیامبر اسلام علیهم السلام می باشد و گویا تمام زنان مقدس قبل و بعد از حضرت فاطمه زهرا علیهم السلام یک روح بوده و کمال و تمام تجلی و ظهور آن

- ۱۱- نمل / ۴۴-۲۴
- ۱۲- آل عمران / ۳۷-۳۳ و ۴۷-۴۲، نساء / ۱۵۶، مریم / ۳۴-۱۶، انبیاء / ۹۱ و تحریم / ۱۲
- ۱۳- ضحی / ۸
- ۱۴- اعراف / ۲۳، حوا اولین زنی بود که فریب شیطان را خورد، اما به زودی متوجه شد و به سرعت با همسرش نادم شدند و صادقانه و خاشعانه توبه کردند. محلی که حوا به توبه پرداخت مروه نام گرفت. بنگرید به: البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۸۶.
- ۱۵- تحریم / ۱۱
- ۱۶- هود / ۷۱. برای کلمه قائمه در این آیه چند احتمال داده شده است؛ از جمله خدمتگزاری. بر این اساس معنی آیه چنین می‌شود؛ «هنگامی که فرستادگان ما برای بشارت نزد ابراهیم آمدند... چون دید دست آنان به گوسفند بربان دراز نمی‌شود... در حالی که همسر او در حال خدمتگزاری بود خندید...». سیاق سه آیه که قسمتی از آنها ترجمه شد همین احتمال را تقویت می‌کند، چون سخن از مهمان‌نوازی از ضیوف با گوشت بربان شده و سخن از حاضر بودن همسر ابراهیم است (تفسیر المیزان، ج ۱۰، ص ۳۲۳).
- ۱۷- افرون بر اینکه در برخی روایات و تفاسیر تصریح شده که «وامرأته ساره قائمة تخدمهم» (الدر المتنور). گذشته از این قرائی، نقلهای تاریخی گواهی می‌دهد ساره همواره در خدمتگزاری حضرت ابراهیم با اشتیاق حاضر بود. بنگرید به: فصوص انبیاء در المیزان.
- ۱۸- تحریم / ۵

قرآن برای هر یک از این زنان صفت یا صفات بارزی را به عنوان شاخصه ذکر می‌نماید که به ترتیب یاد شده به آن صفات اشاره می‌شود:

- ۱- حوا همسر حضرت آدم از تائبات بود:
 ﴿قَالَ رَبُّنَا ظَلَمْنَا أَنْفَسَنَا وَإِنْ لَمْ تَعْفُرْ لَنَا...﴾
 ... پروردگار! ما به خود ستم کردیم و اگر تو ما را نیخشتایی و بر ما ترحم ننمایی هر آینه از زیانکاران خواهیم بود.^{۱۴}

۲- آسیه همسر فرعون از مؤمنات و مشتاقان خدا بود:

- ﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلنَّاسِ أَمْنُوا أَمْرَاتٍ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ آبِنِ لَيِّ عِنْدَكَ بَيْمًا...﴾^{۱۵}
 خداوند برای کسانی که ایمان آورده‌اند (آسیه) زن فرعون را مثال می‌زنند... آن‌گاه که [در مقابل تهدیدات فرعون] گفت: پروردگارا خانه‌ای در نزد خودت (بهشت)، برای من بنا نما...
 ۳- سارا همسر ابراهیم از قائمات و خدمتگزاران پیامبر بود:

﴿وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ...﴾؛ و همسر او به خدمتگزاری به پا بود...^{۱۶}

- ۴- هاجر همسر ابراهیم از سائحتات بود. سائحتات که در قرآن به عنوان یکی از صفات کمالی برای زنان ذکر شده^{۱۷} به معنای زنان مهاجر است. علامه طباطبایی می‌گوید سائحتات کسانی هستند که با گامهای خود از مسجدی به

﴿فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَسْخِيٰ وَاصْلَحْنَا لَهُ
زَوْجَهُ ائِمَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَا
رَغْبًا وَرَهْبًا وَكَانُوا لَنَا حَاشِعِينَ﴾^۴

... و ما همسر زکریا را برایش صالح گردانیدیم، آنها در کارهای خیر سبقت می‌گرفتند و ما را با حالت بیم و امید دعا می‌کردند و همواره در برابر ما خاضع و خاشع بودند.

۸- حنه همسر عمران از متصدقات و صادقات و مخلصات بود:

﴿إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عُمَرَانَ رَبِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا
فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَقَبَّلَ مِنِّي...﴾^۵

حنه همسر عمران، مادر مریم^{علیہ السلام} با اخلاص نذر نمود فرزندی را که در شکم دارد خدمتگزار بیت المقدس قرار دهد و به آنجا هدیه کند؛ پس چون فرزندش متولد شد صدق خود را با وفای به نذرش به اوچ رساند.

۹- همسر ایوب نمونه صبر و ایثارگری و خدمتگزاری پیامبر بود:

﴿وَاتَّئِنَاهُ أَهْلَهُ...﴾^۶ ... وَهَبْنَا أَهْلَهُ...﴾^۷.

مسجد دیگر و از معبدی به معبد دیگر هجرت نموده، با بدنها خود در پی اطاعت و انجام دستورات پروردگار می‌روند! هاجر نمونه سائحت بود؛ زیرا به امر خداوند همراه ابراهیم از اورشلیم به مکه هجرت کرد و رنج دوری از وطن، خانه و شوهر خود را تحمل نمود و در جستجوی آب بارها میان دو کوه صفا و مروه را پیمود.

۵- یوکابد مادر موسی از مسلمات و توکل‌کنندگان بر خدا بود:

﴿إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَيْنَا أُمَّكَ مَا يُوحَى * أَنْ أَقْذِفُهُ فِي
آلَّاتِبُوتِ فَاقْذِفْهُ فِي الْأَلْيَمِ فَلَيَلْقَهُ الْأَلْيَمُ...﴾^۲

مادر حضرت موسی نمونه زنان مسلمان بود. او به امر پروردگار و با توکل بر او عزیزترین نعمت پروردگار، فرزندش را به دریا انداخت.

۶- صفورا دختر شعیب، همسر موسی نمونه حیا و حسن انتخاب بود:

﴿فَجَاءَهُنْ أَحْدَيْهِمَا تَمْشِي عَلَى آسْتِحْيَاءِ... يَا
أَبِي آسْتَجِرْهُ إِنَّ حَيْرَ مَنِ آسْتَجَرْتَ الْقَوِيُّ
الْأَمْنِ﴾^۳.

دختر شعیب در هنگام دعوت از موسی به سوی پدرش نهایت حیا، و آزم را رعایت نمود و به رغم تهیدستی موسی ملاک گزینش را امین و توانا بودن می‌داند.

۷- الیزابت همسر زکریا از صالحات و خاشعات بود:

-
- ۱- تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۳۹۶
 - ۲- طه / ۳۹-۳۸
 - ۳- قصص / ۲۶-۲۵
 - ۴- انبیاء / ۹۰
 - ۵- آل عمران / ۳۵
 - ۶- انبیاء / ۸۴
 - ۷- ص / ۴۳. بنگرید به: قصص انبیاء در المیزان، ص ۱۶۷.

سیاق و دلالت این آیات به طور ضمنی روشن می‌کند که بلقیس زنی هوشمند، با درایت، عاقبت اندیش، اهل مشورت، و دارای روح

۱- ص / ۴۴.

۲- ابی الفداء در تاریخ قصص الانبیاء و قمی در تفسیر خود آورده‌اند که وقتی خداوند حضرت ایوب را شفا داد و اموال، باغ و مزرعه را به صورت ناگهانی به او بازگرداند، همسرش از راه رسید و چون صحنه را چنان دید گریست و به سجده افتاد و خدا را شکر نمود. چشمان ایوب در حین سجاده وی به گیسوان بریده همسرش افتاد. ایوب قبل از اینکه علت بریده شدن گیسوان رحمت را از وی جویا شود گمان بد برد و سوگند یاد کرد که صد تازیانه به او بزنده، اما چون علت را پرسید، فهمید که ماجرا چنین بوده که همسرش نزد مردم برای گدایی می‌رفت تا صدقه‌ای بگیرد و برای ایوب طعامی تهیه کند. روزی چیزی به وی صدقه ندادند و چون گیسوان زیبایی داشت به او گفتند، ما به تو طعام می‌دهیم به شرطی که تو گیسوانت را به ما بفروشی. رحمت از روی اخطرار و ناچاری و به منظور اینکه همسرش ایوب گرسنه نماند گیسوان خود را فروخت. ایوب چون به اشتباه خود پی برد غمگین شد، از یک طرف سوگند یاد کرده بود و از طرف دیگر به گمان نادرست دچار شده بود. پس خداوند به وی وحی کرد، برای اینکه حنث قسم نکرده باشی و از سوگند خود رهایی یابی ۱۰۰ شلاق را روی هم بگذار (ضغث) و یکبار بر همسرت (رحمت) بزن. بنگرید به: تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۴۱-۲۳۹؛ قصص الانبیاء، ج ۱، ص ۳۷۴. ۳- نمل / ۴۳-۴۲.

همسر ایوب نمونه بزرگی از ایثار و فداکاری بود، از همین رو لیاقت یافت که خداوند در قرآن از او به کنایه به نیکی یاد کند؛ زیرا در هنگام گرفتاری حضرت ایوب و بیماری و تعفن بدن او همه حتی فرزندان از او دوری گزیدند و ترکش کردند و در حالی که ایوب به فقر و فاقه دچار بود و به دلیل بیماری جسمانی حتی کسی برای صدقه دادن نزد او نمی‌آمد، فقط همسرش ایثار نموده، در کنار او ماند و حتی با گدایی برای حضرت ایوب به مدت طولاتی نان و غذا تهیه می‌نمود و دست از آن حضرت برنمی‌داشت. افزون بر اینها حاضر شد برای نشکستن سوگند حضرت ایوب بعد از بهبود و تمکن او، ضربه ضغث را تحمل کند:

﴿وَخُذْ بِيَدِكَ صِعْنَا فَأَصْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنَثْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا﴾^۱ و هرگز زبان به اعتراض نگشود که‌ای ایوب! بعد از آن همه صبوری و خدمتی که به پای تو ریختم آیا باید نسبت به من گمان بد ببری و عجلانه سوگند یاد کنی و هم‌اکنون نیز برای شکستن قسم تو، من باید ضغث را تحمل کنم؟!^۲

۱۰- بلقیس نمونه عقل، درایت و آینده‌نگری و حق‌گرایی بود:

﴿إِنَّى وَجَدْتُ أَمْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ... قَالَتْ رَبِّ إِنَّى ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾.^۳

و گفته‌اند پیامبر اکرم ﷺ بعد از آنکه مالی نداشت خداوند او را به وسیله حضرت خدیجه ؑ که اموالش را پس از ازدواج به پیامبر بخشید، ثروتمند نمود.^۴ افزون بر این، روایاتی نقل شده که این نظر را تأیید می‌کند.^۵

تجلى کمال یازده زن

الهی - قرآنی در فاطمه ؑ

قرآن از فاطمه زهراء ؑ نیز در موارد متعددی به کنایه یاد کرده، وی را نمونه وفا کنندگان به عهد، صائمات، متصدّقات، صابرات و ذاکرات^۶ معرفی می‌کند. با عنایت به آیات قرآنی که در شأن آن بانو نازل شده و روایات بسیاری که درباره آن حضرت رسیده است، فاطمه ؑ نمونه بر جسته صفاتی چون تائب، مؤمنه، صالحه، خاشعه، قائمه، سائحه، مسلمه، متصدقه، صادقه، مخلصه، صابره، عقل، درایت، حزم، حیاء، ایثار، احسان، رحمت، حسن

۱- بنگرید به: ابی الفداء، قصص الانبیاء، ج ۲، ص ۲۷۳؛

سید نعمت الله جزائری، قصص الانبیاء، ص ۵۳۴

۲- المیزان، ج ۱۵، ص ۳۵۵.

۳- ضحقی / ۸.

۴- المیزان، ج ۳۰، ص ۳۱۱.

۵- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۴۹؛ البرهان في تفسير القرآن،

ج ۴، ص ۴۷۳.

۶- سوره دھر و نساء / ۴۱ و بنگرید به: البرهان في تفسير القرآن، ج ۳، ص ۳۲۷.

حق‌گرایی بوده است؛ زیرا پس از مشاهده دلایل درستی نبوت حضرت سلیمان بلاfacسله به خداوند ایمان آورده، مسلمان می‌شود و از کفر خود نادم شده، آن را ظلم به خویش (ظلمت نفسی) معرفی می‌کند. هوش و درایت او از آنچه آشکار می‌شود که وقتی نامه سلیمان به دستش می‌رسد با تعمق در آن، از نامه به وصف کریم یاد کرده، بلاfacسله اظهار نظر نمی‌کند، بلکه نخبگان کشوری و لشکری را گرد آورده، با آنان به مشورت می‌نشیند. نخبگان لشکری راه مقابله با قدرت را پیشنهاد می‌کنند، اما با این حال تصمیم‌گیری نهایی را بر عهده خود بلقیس می‌گذارند که خود نشان از مقبولیت حزم و عقل او در میان نخبگان دارد. بلقیس بر اساس شناخت و درایت خود تصمیم به تحقیق، تأمل و مذاکره می‌گیرد و چون حق برایش آشکار می‌گردد بلاfacسله تسلیم حق می‌شود.^۱ افزون بر این، علامه طباطبایی معتقد است عبارت «اوْتَيْتُ مِنْ كُلُّ شَئْءٍ» بر اساس قرائن در آیه شریفه بیان می‌دارد که از جمله چیزهایی که به بلقیس داده شده بود دوراندیشی، عقل، درایت، حزم، عزم و سطوت بود.^۲

۱۱- خدیجه نمونه ایثار و احسان بود:

﴿... وَ وَجَدَكَ عَائِلًا...﴾^۳

تفسران آیه را اشاره به حضرت خدیجه(س)

دانسته‌اند؛ زیرا کلمه عائل را به معنای فقیر گرفته

از قائنات معرفی می‌کند:

﴿وَصَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتُبِهِ وَكَانَتْ مِنَ الْفَانِيَنَ﴾^۲.

... و مریم کلمات پروردگار خویش و کتب آسمانی او را با کمال ایمان تصدیق کرد و او از قائنین بود.

قانت از ماده قنوت به معنای مداومت بر طاعت همراه با خضوع است^۳ و از نظر مرحوم طبرسی به معنای نماز، طاعت، طول رکوع، قیام، دعا و سکوت است.

در کلمات پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام نیز صفات دیگری درباره حضرت مریم ذکر شده است؛ مانند نیل به آخرین درجه کمال، پاکی از خون زنانه و...^۴ در مقاله «جایگاه فاطمه علیها السلام» و

۱ - بنگرید به: سید شرف الدین، کلمه العراء؛ توفیق ابو علم، فاطمه زهراء؛ شوشتري، احراق الحق؛ شهیدی، زندگانی فاطمه زهراء؛ علامه قزوینی، فاطمه از ولادت تا شهادت؛ ابراهیم امینی، فاطمه زهراء؛ رسولی محلاتی، فاطمه زهراء؛ فاضل میلانی، فاطمة الزهراء أم ایهاء؛ بخار الأنوار، ج ۴۳؛ خوارزمی، مناقب؛ دیلمی، ارشاد القلوب؛ شبینجی، نور الابصار؛ محب طبری، ذخایر العقبی؛ ریاحین الشريعه؛ یتایع الموده؛ مجله مشکوکة، «جایگاه حضرت فاطمه علیها السلام و مریم علیها السلام» در آیات و روایات، شماره ۸۱ زمستان ۸۲

۲ - تحریر / ۱۲.

۳ - مفردات راغب، ص ۴۲۸.

۴ - توفیق ابو علم، فاطمه زهراء؛ خوارزمی، مناقب؛

انتخاب، مشتاق خدا و خادم پیامبر می‌باشد.^۱

این صفات، همان ویژگیهایی است که قرآن برای زنان پاک و مقدس اثبات نمود و این همانندی در صفات به معنای تجلی خوبی آن زنان در فاطمه زهراء علیها السلام به نحو اتم و اکمل است.

تجلىٰ كاملٌ تر تقدس مريم علیها السلام در فاطمه علیها السلام
مریم، مادر حضرت عیسیٰ زن پاکی است که
قرآن بیشتر از سایر زنان به نیکی از او یاد نموده
است. خداوند ۳۴ بار به صراحت نام وی را در
قرآن آورده و ویژگیهای متعالی آن بانو را مستقیم
یا غیر مستقیم یادآور شده است؛ مانند، رویش
نیکو (و انبتها نباتاً حسناً)، صاحب محراب (کلما
دخل عليها الظکر يا المحراب)، قلب پر از ایمان و
دارای کمال علم (صدقت بكلمات ربها و کتبه)،
عصمت، تطهیر و برگزیده خدا (و اذ قال
الملائكة يا مريم إن الله اصطفاك و طهرك)،
پاکدامنی و عفت، مادر فرزندی پاک (مریم ابنة
عمران التي احصنت فرجها فنفحنا فيه من
روحنا)، واسطه الحق نسل به انبیاء، برگزیدگی
و برتری بر زنان (إن الله اصطفاك و طهرك و
اصطفاك على نساء العالمين)، محدثه بودن و
نزول ملائکه بر او (اذ قال الملائكة يا مريم إن
الله يبشرك بغلام...) و کرامت و دریافت غذای
بهشتی، مشتاق بهشت و اشتیاق بهشت به او.
قرآن به صراحت او را صدیقه (و امه صدیقة) و

﴿وَيُطْعِمُونَ الظَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مُسْكِنًا وَيَتَهِيمًا
وَأَسِيرًا * إِنَّمَا تُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا تُرِيدُ مِنْكُمْ
جَزَاءً وَلَا شُكُورًا﴾.^۷

- ۳- فاطمه؛ نمونه کامل صابرات:

﴿وَجَزِيهِمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا﴾.^۸

- ۴- فاطمه، نمونه کامل ذاکرات، قانتات و

→ شوشتري، احراق الحق؛ ديلمي، ارشاد القلوب؛
شبلنجي، نور الابصار؛ شهيدى، زندگاني فاطمه
زهراء^{عليها السلام}؛ محب طبرى، ذخایر العقبى؛ علامه
قزويني، فاطمة من المهد الى اللحد؛ مجلسى،
بحار الأنوار، جلد ۴۳؛ رياحين، الشريعة و ينابيع الموده.
۱- بنگرييد به: سلمانپور، «جايگاه حضرت فاطمه^{عليها السلام} و
مریم^{عليها السلام} در آيات و روایات»، مشکو، شماره ۸۱
زمستان ۸۲.

۲- همان.

۳- انسان / ۳.

۴- بنگرييد به: البرهان في تفسير القرآن، ج ۴، ص ۴۱۲.
۵- بنگرييد به: الميزان، ج ۲۰، ص ۱۳۲؛ تفسير نمونه،
ص ۲۵، ص ۳۴۸؛ دكتر نقى پور، اهل بيت در قرآن.
۶- بنگرييد به: تفسير قرطبي، ج ۱۰، ص ۶۹۰؛ سيوطي،
الدر المثلود، ج ۸، ص ۳۶۵؛ حسکاني، شواهد التنزيل،
ص ۳۹۳؛ آلوسى، روح المعانى، ج ۲۹، ص ۱۵۸؛
تفسير فخر رازى، ج ۳۰، ص ۲۴۰؛ واحدى، اسباب
التزول، ص ۲۹۶؛ سليمان حنفى، ينابيع الموده، ج ۱،
ص ۲۷۹؛ طبرى، الرياض النضرة، ج ۲، ص ۱۸۰ و
۵۰۲؛ مقربى، امتعال الاسماع، ص ۵۰۲.

۷- انسان / ۹-۸.

۸- انسان / ۱۲.

مریم در آیات و روایات» به تفصیل چهل ویژگی
برای آن بانو ذکر شده است^۱؛ لذا در اینجا از
تفصیل بیشتر خودداری می شود.

نگارنده در آنجا ضمن مقایسه میان آن
حضرت^{عليها السلام} و مریم^{عليها السلام} نشان داد که چهل
ویژگی حضرت مریم در وجود مقدس حضرت
زهراء^{عليها السلام} به طریق اولی ظهور داشت و آن بانو
نمایاننده و تجلی گر حضرت مریم^{عليها السلام} در زمان
خود بود.^۲

با این حال، در اینجا اشاره به برخی آیات که
به کنایه از آن حضرت^{عليها السلام} یاد می کند و صفات
بارزی از ایشان را بیان می نماید خالی از لطف
نمی باشد:

۱- فاطمه^{عليها السلام}؛ نمونه کامل صائمات و
صادقات:

﴿... يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ
مُسْتَطَيْرًا﴾.^۳

ائمه اطهار^{عليهم السلام}^۴ و تمام مفسران شیعه^۵
بیشتر مفسران اهل سنت^۶ این آیات سوره دھر را
در مورد نذری می دانند که على^{عليها السلام} و فاطمه^{عليها السلام}
برای شفای حسن و حسین^{عليهما السلام} کردند، و پس از
بهبود آنان به نذر خود وفا کرده، سه روز را روزه
گرفتند و افطاری خود را به مسکین، یتیم و اسیر
دادند و خود با آب افطار کردند.

۲- فاطمه؛ نمونه کامل متصدقات،
مخلصات و مشتاقان به خدا:

خاشعات:

﴿إِنَّا نَحْنُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيًّا﴾^١.

- ٤- امينی، ابراهیم. فاطمه زهرا بانوی نمونه اسلام، قم، شفق.
- ٥- بحرانی، هاشم. البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الوفاء، ١٤٠٣ق.
- ٦- برازش، علی رضا. المعجم المفہرس لالفاظ الاصول من الكافی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ١٤٠٨ق.
- ٧- بیهقی، ابی بکر احمد بن حسین. السنن، بیروت، دارالفکر.
- ٨- ترمذی، ابو عیسیٰ محمد. سنن ترمذی، استانبول، ١٩٨١م.
- ٩- توفیق، ابو علم. فاطمه زهرا^{علیہ السلام}، ترجمه علی اکبر صادقی، تهران، امیرکبیر، ١٣٦٤ش.
- ١٠- جزایری، نعمت الله. قصص الانباء، ترجمه یوسف عزیزی، تهران، انتشارات هاد، ١٣٧٧ش.
- ١١- حافظ ابوالمؤید الموفق بن احمد. المناقب للخوارزمی، نجف، حیدریه، ١٣٨٥ق.
- ١٢- حسکانی، عبیدالله بن عبدالله. تفسیر شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران، مؤسسه چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ١٤١١ق.
- ١٣- حسینی مرعشی شوشتی، نورالله. احقاق الحق و ازهاق الباطل، قم، کتابخانه عمومی آیة الله مرعشی، ١٤٠٦ق.
- ١٤- حسنه (سبیتی) عبدالله. المباھله، تهران، مکتبه النجاح، ١٤٠٢ق.
- ١٥- دیلمی، محمد حسن بن محمد. ارشاد القلوب، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ١٣٩٥ق.
- ١٦- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد. سیر أعلام البلا، بیروت، مؤسسه الرساله، ١٤١٠ق.

١- انسان / ١٠.

گزیده سخن

آنچه گذشت، به خوبی علت و راز اینکه قرآن در آیه مباھله از فاطمه زهرا^{علیہ السلام} به «نسانا» تعبیر نموده و در حالی که یک زن بیشتر بود ایشان را زنان منسوب به پیامبر می نامد نشان می دهد. علت و راز این تعبیر، آن است که حضرت فاطمه مظہر تجلی خوبیها و شخصیت الهی زنان قرآنی چون حوا، آسمیه، یوکابد، سارا، هاجر، رحمت، هنه، الیزابت، مریم، بلقیس، صفورا، و خدیجه بود و تقدس همه آنها در ایشان جمع بود. این زنان گویا دارای روحی واحدند که در فاطمه پیامبر^{علیہ السلام} متجلی شده است، لذا تمام آنها منسوب به پیامبرند؛ زیرا فاطمه^{علیہ السلام} منسوب به اوست. از همین رو قرآن از زبان پیامبر از فاطمه^{علیہ السلام} به «زنان ما» تعبیر نمود.

منابع و مأخذ

- ١- آلوسی بغدادی، محمود. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار احیاء التراث العربي.
- ٢- ابن حنبل، احمد بن محمد. المسند، مصر، دار المعارف، ١٣٦٨.
- ٣- ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل. قصص الانباء، بیروت، دار

- ٣٠- قرطبي، محمد بن احمد. تفسير الجامع لاحكام القرآن، قاهره، دارالكتاب العربي، ١٣٨٧ق.
- ٣١- قزويني، محمد كاظم. فاطمه از ولادت تا شهادت (فاطمه الزهرا من المهد الى اللحد)، ترجمه حسين فريدوني، آفاق، ١٤٠٤ق.
- ٣٢- قدوزی حنفی، سليمان بن ابراهيم. ينایع الموده، تحقیق علی جمال اشرف الحسینی، تهران، دارالاسوة للطباعة و النشر، ١٤١٦ق.
- ٣٣- مجلسی، محمد باقر. بحار الأنوار، بيروت، مؤسسة الوفاء، ١٤٠٣ق.
- ٣٤- محمد فؤاد، عبدالباقي. المعجم المفهرس للافاظ القرآن الكريم، قاهره، مطبعة دارالكتب المصرية، ١٣٦٤ق.
- ٣٥- محلاتی، ذبیح الله. ریاضین الشیعه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا.
- ٣٦- مسلم، ابی الحسین بن مسلم قشیری. صحيح، بیروت، دارالفکر.
- ٣٧- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ١٣٧٤ش.
- ٣٨- میلانی، (الحسینی)، فاضل. فاطمه الزهراء ام ابیها، بیروت، دارالتعارف، ١٣٩٨ق.
- ٣٩- نراقی، ملا مهدی. شهاب ثاقب، بی‌جا، بی‌نا، ١٣٨٠.
- ٤٠- نقی پور، ولی الله. بررسی شخصیت اهل بیت در قرآن به روشن قرآن به قرآن، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ١٣٨٠ش.
- ١٧- رازی، فخر الدین. التفسیر الكبير، بيروت، دار احياء التراث العربي.
- ١٨- راغب اصفهانی، ابی القاسم الحسین. المفردات في ترتیب القرآن، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ١٣٦٢ش.
- ١٩- رسولی محلاتی، هاشم. فاطمه زهرا، قم، علمیه اسلامیه، ١٣٥٧ش.
- ٢٠- زمخشّری، جارالله. تفسیر الكشاف، بيروت، دارالفکر، ١٣٩٧ق.
- ٢١- سلمانپور، محمد جواد. «جایگاه فاطمه‌الیله و مریم‌الیله در آیات و روایات»، مشکو، شماره ٨١، رومستان، ٨٢.
- ٢٢- سیوطی، جلال الدين. الدر المتنور في تفسیر بالتأثر، بیروت، دارالفکر.
- ٢٣- شرقاوی، عبدالرحمن. على امام المتقدن، مصر، مکتبة قریب.
- ٢٤- شبینجی، نور الابصار في مناقب آل بیت النبي المختار، مصر، ١٣٨٤ق.
- ٢٥- شهیدی، جعفر. زندگانی فاطمه زهرا، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ١٣٦٥ش.
- ٢٦- طباطبائی، محمد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ١٣٩٢.
- ٢٧- طبرسی، ابی علی. مجتمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، مکتبة العلمیة الاسلامیه، پنج جلدی.
- ٢٨- فعال عراقی، حسین. داستانهای قرآن و تاریخ انبیاء در المیزان، تهران، سبحان، ١٣٧٨ش.
- ٢٩- فیض کاشانی، محسن. تفسیر الصافی، مشهد، دارالمرتضی للنشر، پنج جلدی.

①